

توصیه‌ها به مسئولان آموزش و پرورش

- پیشبرد بدون وقفه و جدی سند تحول و اثربخشی آن در تمام سطوح
- استفاده از نظرات عناصر نخبه برای به‌روزی بودن سند تحول
- توانمندسازی معلمان از لحاظ مسائل معیشتی و مادی
- قوام یافتگی کار معلمی با استفاده از معلومات، نیازها و تجربه‌های لازم
- تقویت معاونت پرورشی به عنوان یکی از مهم‌ترین بخشهای آموزش و پرورش
- اولین کار معاونت پرورشی؛ جلوگیری از آسیبهای اجتماعی و اخلاقی در جوانها
- تبیین مصالح بنیادی نظام و شناساندن جبهه دوست و دشمن به دانش‌آموزان
- ثبات مدیریتی در آموزش و پرورش
- شناسایی و معرفی معلمان برجسته به عنوان قهرمان

مروری بر
توصیه‌های رهبرانقلاب
به مسئولان آموزش و پرورش و معلمان

هویت‌سازی نسل آینده

رهبرانقلاب
در دیدار معلمان:
«هویت منابع انسانی در آموزش و پرورش شکل می‌گیرد. معلم وقتی که در میدان حضور فعال دارد، در واقع دارد هویت‌سازی میکند. شما رفتارتان، گفتار، موضع‌گیری‌تان، اشاره‌تان، گاهی در کلاس یک شوخی‌ای که می‌کنید، گاهی یک تشریح که می‌زنید، همه‌ی اینها در مخاطبان که آن نسل جوانی است که فردا باید تصمیم‌گیری کند و تصمیم‌سازی کند در کشور، سازنده است.»
۱۴۰۳/۲/۱۲

KHAMENEI.IR

انتظارات از معلمان

- پرورش هویت دانش‌آموز در کنار علم‌آموزی
- کشف استعدادها دانش‌آموز
- نگاه‌مندی دادن به دانش‌آموز
- آشناکردن دانش‌آموز با افتخارات ملی
- امیدآفرینی در نوجوان و جوان
- توضیح پیشرفت‌ها و چشم‌اندازهای شوق‌انگیز به دانش‌آموزان
- تشویق دانش‌آموزان به فعالیتهای اجتماعی
- مهارت‌آموزی به دانش‌آموزان در همه مدارس

فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار معلمان

در باب آموزش و پرورش چند سرفصل را من ذکر می‌کنم. یک سرفصل که از همه مهم‌تر است، مسئله «تحول» است که آقای وزیر اشاره کردند. ما در گذشته، چند سال این سند تحول را گذاشتیم در کشو، درش را هم بستیم! هیچ تحرکی انجام نگرفت، لذا ضرر کردیم. آن چند سالی که سند تحول جدی گرفته نشد، پیشرفتی پیدا نکرد، ضرر کردیم. خوب حالا بحمدالله شنیدیم که سند هم موردبازنگری قرار گرفته که رو به اتمام است و در حال نهایی شدن است و هم «نقشه راه» برای اجرای آن آماده شده که اینها همه مهم است. به‌خصوص این نقشه راه برای اجرای اسناد خیلی مهم است؛ بدانیم این اسناد را چه جوری بایستی عمل کنیم که در تمام سطوح آموزش و پرورش اثر خودش را ببخشد؛ این خبر خوبی است. نگذارید وقفه ایجاد شود و کار را به‌طور جدی پیش ببرید. در همه مراحل هم از عناصر نخبه استفاده بشود. هم در داخل آموزش و پرورش نخبگانی هستند، نظراتی دارند، هم در بیرون آموزش و پرورش کسانی هستند که کار بازاری هم در آموزش و پرورش ندارند اما فکر دارند، نظر دارند؛ از نظرات اینها استفاده بشود. و این اسناد روزبه‌روز باید بیشتر و بهتر ترمیم بشود، یعنی امروز شما سند را به روز کردید، ممکن است دو سال دیگر، سه سال دیگر نیاز داشته باشد که سند به روز بشود؛ چون تحولات سریع است. لذا از اینها استفاده بشود. این سرفصل اول، سرفصل تحول.

سرفصل دوم، مسئله توانمندسازی معلمان است. توانمندسازی دو جور است: یکی از لحاظ مسائل معیشتی و مادی و مانند اینهاست؛ این همیشه مورد تأکید ما بوده، و دولت در حد امکاناتش تلاش لازمی را در این زمینه باید انجام بدهد؛ این البته به‌جای خود محفوظ؛ کار لازمی است و بایستی هر چه ممکن است در این زمینه تلاش کرد، اما توانمندسازی یک بُعد دیگر هم دارد که می‌خواهم روی آن تکیه بکنم و آن عبارت است از اینکه معلم از نیروی معنوی خود، یعنی آن عشقی که به‌طور طبیعی به تعلیم و به تربیت در درون وجود انسان هست

استفاده کند و از معلومات لازم و نیازهای لازم و تجربه‌های لازم استفاده کند برای اینکه کار معلمی را قوام بدهد؛ قوام‌یافتگی کار معلم. اینکه عرض کردیم شما انسان می‌سازید، نیروی انسانی را و منابع انسانی را شما تولید می‌کنید، این صرفاً با رفتن سر کلاس و آن صفحات معین کتاب را در دست گرفتن حاصل نمی‌شود؛ اگر چه آنها هم لازم است، اما صرفاً آن نیست. وقتی وارد کلاس می‌شویم، به‌عنوان یک مسئول، به‌عنوان یک کسی که ما اختیار این جمع و آینده این جمع را در دست داریم، ما می‌خواهیم برای او آینده ترسیم کنیم، با این نیت، با این روحیه، با این انگیزه، با این فهم از معلمی وارد کلاس بشویم. این عرض ما است، توانمندسازی این [جور] است. خوب، اگر ما بخواهیم جامعه معلمین به سطح تراز - [یعنی] همین سطحی که عرض کردم - برسند، طبیعتاً باید مراکز تربیت معلم را تقویت کنیم که خوب اشاره کردند. بنده هم مکرر راجع به دانشگاه فرهنگیان و مراکز تربیت معلم توصیه کرده‌ام، تأکید کرده‌ام، باز هم تأکید می‌کنم؛ دست کم نباید گرفت؛ این جاها خیلی مهم است. و در واقع دانشگاه فرهنگیان [اجای] تربیت مربیان نسل جدید کشور است، بنابراین اهمیت خیلی زیادی دارد. این هم یک مسئله.

سرفصل سوم، مسئله معاونت پرورشی است. یک برهه‌ای از زمان این فکر را القا کردند که معاونت پرورشی اصلاً لازم نیست؛ چرا؟ منطقشان هم این بود که می‌گفتند پرورش به‌وسیله خود معلم باید انجام بگیرد. این حرف درستی است؛ کار معلم فقط تعلیم نیست؛ خود معلم باید تربیت هم بکند، پرورش هم بدهد اما این کافی نیست؛ بحث سر این است. معاونت پرورشی یکی از مهم‌ترین بخش‌های آموزش و پرورش است. البته امروز معاونت پرورشی مشکلاتی دارد؛ حالا کمبود منابع مالی و نگاه‌های مختلف [هست] اما این بخش [باید] تقویت بشود.

اولین کار معاونت پرورشی این است که از ایجاد و رواج و شیوع آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی در میان خود جوانها جلوگیری کند. بنده می‌خواهم پیشنهاد کنم که جوان‌هایمان

که در مجموعه میلیونی دانش‌آموز، یک تعداد خیلی زیادی جوان و نوجوان فعال هستند - باید بروند جلوی آسیب‌های اجتماعی را بگیرند؛ خوب، مقدمه‌اش این است که در داخل خود مدارس آسیب‌های اجتماعی وجود نداشته باشد؛ این کار معاونت فرهنگی است. حالا البته آمارهایی می‌دهند که این قدر [آسیب‌ها] زیاد شده؛ بنده به این آمارها خیلی اعتماد نمی‌کنم، اینها خیلی مورد اعتماد نیست اما آسیب‌ها وجود دارد، یعنی رفتار خشن، روابط نامناسب اخلاقی و خیلی چیزهای دیگر که نمی‌خواهم اسم بیاورم. معاونت پرورشی بایستی به اینها برسد.

یکی دیگر از مسائلی که مربوط به معاونت پرورشی است، تبیین مصالح بنیادی کشور و نظام جمهوری اسلامی است؛ اینها باید تبیین بشود، به جوان‌ها گفته بشود. اگر این میلیون‌ها جوان و نوجوانی که ما در آموزش و پرورش، در مدارس داریم، مصالح بنیادی نظام را بشناسند، مصالح کشورشان را بشناسند، جبهه دوست و دشمن کشورشان را بشناسند، مسائل اساسی مورد نیاز کشورشان را بشناسند، دیگر تبلیغات دشمنان و این همه تلاش میلیاردری‌ای که دشمنان برای تبلیغات و گمراه کردن افکار عمومی کشور دارند انجام می‌دهند، خنثی خواهد شد. اگر نوجوان ما در این زمینه پیشگیری بشود و از لحاظ فکری به تعبیر رایج واکنش‌دهنده بشود، این تبلیغات دشمنان خنثی خواهد شد.

و جوان کشور بداند که آن مؤلفه‌های مصالح کشوری چیست و منطقی که پشت سرش هست چیست؛ این هم مهم است. حالا مثلاً فرض کنید که راجع به امریکا، مثلاً شعار می‌دهند «مرگ بر امریکا»، خوب جوان شعار می‌دهد، اما باید بداند که چرا «مرگ بر امریکا» می‌گویید، چرا می‌گوییم «مرگ بر رژیم صهیونیستی»، این را باید بفهمد و منطقش را بداند. چرا می‌گوییم ما با فلان دولت، فلان کشور، حاضر نیستیم ارتباط برقرار کنیم؛ علت چیست؟ این عقلانیتی که پشت سر این مصالح کلی هست، بایستی دانسته بشود. این هم یک سرفصل

که سرفصل مربوط به معاونت پرورشی بود. یک سرفصل دیگر مسئله ثبات مدیریتی در آموزش و پرورش است. آن طور که به بنده گزارش کرده‌اند، در سال‌های طولانی گذشته، ما به‌طور متوسط هر دو سال یک وزیر داشته‌ایم؛ هر دو سال یک وزیر! خوب دیگر تکلیف این دستگاه معلوم است چه می‌شود؛ تا بیایند یک کار اساسی را شروع کنند، باید وزیر بروند؛ وقتی وزیر رفت، مجموعه مدیریتی زیر نظر او هم تغییر پیدا می‌کند، کار اساسی به‌جایی نمی‌رسد. بنده تأکید دارم بر ثبات مدیریتی؛ از مدیریتهای سطح بالا تا سطح متوسط، باید ثبات پیدا کند تا بشود برنامه‌ها را دنبال کرد. این هم یک سرفصل که این البته هم ناظر به درون آموزش و پرورش است هم بیرون آموزش و پرورش.

یک سرفصل دیگر که این هم به نظر بنده مهم است، الگوسازی در جامعه معلمین کشور است. شما مجموعه جامعه معلمین در سراسر کشور، الگوهای معلمین‌تان چه کسانی هستند؟ ما در رشته‌های دیگر الگو داریم؛ مثلاً در ورزش، قهرمان‌ها الگویند؛ در هنر، مثلاً هنرمندهای برجسته الگویند؛ در عالم تعلیم دینی و روحانیت، یک گروهی برجسته‌اند و الگو برای دیگران هستند؛ طلبه نگاه می‌کند به مرجع تقلید، به آن مدرس بزرگ. در جامعه معلمین، الگوها چه کسانی هستند؟ باید معرفی بشوند. نهاد آموزش و پرورش نگاه کند معلمینی را که از لحاظ شاخص‌های معلمی یک برجستگی‌ای دارند، در سراسر کشور پیدا کنند. مثلاً فرض بفرمایید معلمی هست که خوب تدریس می‌کند، تدریس برجسته‌ای دارد. معلمی هست که زمان طولانی‌ای از عمر خودش را در تعلیم صرف کرده؛ ما معلمینی سراغ داشتیم - تعداد کمی، تعداد انگشت‌شمار - که ۵۰ سال معلمی کرده بودند، ۶۰ سال معلمی کرده بودند! خیلی مهم است؛ این یک الگوست. معلمی که در مناطق دشوار معلمی می‌کند؛ دوچرخه را سوار می‌شود می‌رود مثلاً فرض کنید که فلان منطقه دور، برای پنج شاگرد یا ۱۰ شاگرد درس می‌دهد و برمی‌گردد.